



ماجرای دزدی که صحنه واقعی فیلم «دستبرد» را به تماشانش است!



تحقیقات فنی در این باره آغاز و مشخص شد متهم مذکور دارای دو سابقه کیفری به جرم سرقت است اما وی به کلی ماجرای دستبرد به خودروی شاکی را انکار کرد و مدعی شد هیچ اطلاعی از سرقت مذکور ندارد! در همین حال افسران دایره تجسس کلانتری شفا، فیلم دوربین مدار بسته را مقابل چشمان سارق به نمایش گذاشتند و او با دیدن صحنه واضح سرقت، دیگر دست از انکار برداشت و گفت: من به مواد مخدر صنعتی (شیشه) اعتیاد دارم و از یک سال قبل بیکار شده ام. به همین دلیل نمی توانم مخارج زندگی و اعتیاد را تامین کنم! در این شرایط مجبور شدم دوباره به سرقت روی بیاورم! بنا بر گزارش روزنامه خراسان، تحقیقات پلیس برای کشف سرقت های دیگر این جوان پر اید سوار همچنان ادامه دارد.

محاکمه عاملان قتل و ده ها سرقت مسلحانه در مشهد آغاز شد

گانگسترهای بی رحم مقابل میز عدالت!

جوانبخت (بازپرس وقت شعبه ۲۰۳ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) و اکاوی جرایم هولناک اعضای این باند سرقت و آدمکشی ادامه یافت تا این که حسن (یکی از متهمان) به قتل جوان ام وی ام سوار و مرد طلا فروش اعتراف کرد. اما مدعی شد قبل از جنایت شیشه و مواد مخدر مصرف کرده است و به همین دلیل تعادل روحی نداشت!

وی گفت: من به خواست جواد (سر کرده باند) از سرخس به مشهد آمدم و قرار بود با پولی که از سرقت به دست می آورم با دختری از دواج کنم که عاشق او شده بودم! گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با انجام تحقیقات تکمیلی و بازسازی صحنه های جنایت و سرقت در دادسرای عمومی و انقلاب، این پرونده حساس که اقدامات مجرمانه متهمان آن، موجب احساس ناامنی در شهروندان شده بود با اتهامات گوناگون و همچنین تفهیم اتهام مجرایه از سوی مقام قضایی در دادسرا، به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و بدین ترتیب اعضای باند گانگسترهای خطرناک در حالی مقابل قضاات با تجربه دادگاه قرار گرفتند که جلسات محاکمه به ریاست قاضی حجت الاسلام «محمد شجاع پور فدکی» و مستشاری قاضی «جواد آسیا پزید» در مشهد برگزار شد. این در حالی بود که متهمان شلیک به جوان ام وی ام سوار در مقابل چشمان وحشت زده مادر او را پذیرفتند. آنان در مراحل دادرسی درباره قتل هولناک مرد طلا فروش نیز گفتند: حدود یک ماه نقشه سرقت و مسیر حرکت مرد طلا فروش را بررسی کردیم، ما قصد کشتن مرد طلا فروش را نداشتیم. فقط می خواستیم در مکانی خلوت کلید مغازه و رمز گاوصندوق را بگیریم و طلاها را به سرقت ببریم اما وقتی مقابل خودرو او را سد کردیم، متوجه ماجرا شد و دستانش را به حالت تسلیم بالا برد که در این لحظه «حسن» چند گلوله شلیک کرد. سپس جسد او را به کوه های اطراف بولوار نماز بردیم و به طلافروشی بازگشتیم تا طلاها را سرقت کنیم اما آن جا شلوغ بود و رفت و آمدها به گونه ای انجام می شد که نتوانستیم ادامه نقشه سرقت را اجرا کنیم! به همین خاطر جسد مرد طلافروش را دوباره از پشت کوه ها به داخل خودرو انداختیم و آن را درون بشکه ای که همراه مدارک آتش زدیم. بعد هم خاکسترهای جسد سوخته را با خاک مخلوط کردیم و در کنار جاده آسیایی به باد دادیم!

به گزارش روزنامه خراسان، متهمان مخوف این پرونده جنایی، همچنین ادعا کردند قبلا یک سارق عادی بودیم و از منازل مردم سرقت می کردیم اما وقتی کرونا شیوع پیدا کرد مردم خانه نشین شدند ما هم به سرقت از مغازه ها روی آوردیم! بنا بر این گزارش، محاکمه اعضای این باند سرقت و آدمکشی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی در حالی همچنان ادامه دارد که متهمان در اعترافات اولیه خود مدعی شدند نقشه سرقت از طلا فروشی را از فیلمی که در اینستاگرام منتشر شده بود، الگوبرداری کردیم و طبق آن فیلم دست به سرقت زدیم!

سمند مد نظر در شهر جدید گلپهر به دست آمد. بررسی های نامحسوس پلیس حکایت از آن داشت که تبهکاران مسلح قصد دستبرد به اموال مردم را دارند؛ بنابراین هماهنگی های پلیسی و قضایی صورت گرفت و بدین ترتیب گروهی از عوامل انتظامی گلپهر به طور نامحسوس به یکی از خودروهای تبهکاران نزدیک شدند اما ناگهان صدای شلیک های رگباری گلوله در فضا پیچید و درگیری مسلحانه بین ۳ تبهکار خطرناک و پلیس آغاز شد. با وجود این، نیروهای انتظامی زمانی که احساس کردند احتمال دارد افراد بی گناه در ماجرای تیراندازی ها آسیب ببینند از شلیک های بیشتر در حالی خودداری کردند که یکی از سرنشینان سمند زخمی شده و نتوانسته بود با دیگر اعضای باند فرار کند. در بازرسی از خودروی سارقان مسلح، اسلحه کلاشینکف و ۳ قبضه کلت کمری کشف شد و این گونه عملیات پلیس برای دستگیری تبهکاران ادامه یافت.

صبح روز بعد گروهی از کارآگاهان با هدایت سرهنگ سلطانیان به سوی کوه های دولت آباد حرکت کردند و به



جست وجوی تبهکار زخمی پرداختند. چند ساعت بعد بالاخره متهم ۳۰ ساله را که «حسین علی» نام دارد در حالی پیدا کردند که خود را درون چاله ای انداخته و منتظر بود تا همدستانش به یاری اش بیایند و او را نجات دهند! به گزارش روزنامه خراسان، با انتقال مهمات و سلاح های کشف شده و همچنین تبهکار زخمی به مشهد، تحقیقات پلیس وارد مرحله جدیدی شد و با اعترافات وی خیلی زود کارآگاهان موفق شدند دو تبهکار دیگر اعضای این باند مخوف را در سرخس و مشهد دستگیر کنند. ۳ گانگستر خطرناک که جواد ۲۷ ساله، حسین علی ۲۰ ساله و حسن ۲۳ ساله بودند، در بازجویی های تخصصی به ۲ قتل و ده ها سرقت مسلحانه و عادی اعتراف کردند. بر اساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، اعضای این باند که به ترتیب به اسامی مستعار کیان، سعید و شهرام شناخته می شدند در اعترافات تکان دهنده خود را از وحشتناک قتل مرد طلا فروش را نیز بر ملا کردند.

بنابراین با دستورهای محرمانه قاضی امیر حسین

جوان پر اید سواری به خودروام دستبرد زده است. به همین خاطر شماره پلاک پر اید مشکلی رنگ را به خاطر سپردم و با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم اما مدتی بعد همان خودرو را دوباره در محل سکونتم مشاهده کردم و اکنون خودروی مذکور در بولوار عبدالمطلب در حال ترده است! گزارش روزنامه خراسان حاکی است: در پی دریافت این خبر، بلافاصله گشت های انتظامی مستقر در خیابان های اطراف با دستور ویژه سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفا ی مشهد) به طرف بولوار عبدالمطلب حرکت کردند و دقایقی بعد پر اید هاچ بک مشکلی را در حالی متوقف کردند که طبق تابلو ایدر پلیسی، همه راه های گریز از سوی نیروهای گشت بسته شده بود. طولی نکشید که با انتقال متهم ۳۸ ساله به مرکز انتظامی،

مخوف، با سلاح کلاشینکف جان سپرد و به این ترتیب پرونده مذکور در اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی پیگیری شد.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، در حالی که تحقیقات جنایی زیر نظر قاضی دکنر زرقانی (بازپرس وقت ویژه پرونده های جنایی) ادامه داشت، ناگهان دهم تیر یک سال بعد (۱۴۰۰) حادثه هولناک دیگری در مشهد رقم خورد که روند تحقیقات پلیس را درگگون کرد. ماجرای وحشتناک دهم تیر از آن جا آغاز شد که مرد طلا فروش پس از بستن مغازه اش در خیابان عدالت منطقه احمدآباد مشهد، سوار خودروی جیلی قرمز رنگ خودش تا به طرف منزلش برود اما سرنشینان یک دستگاه پژو ۴۰۵ راه او را سد کردند و مرد طلا فروش را ربودند.

با گزارش این حادثه به پلیس، اکاوی های تخصصی در اداره جنایی آگاهی آغاز شد. کارآگاهان که احتمال می

سید خلیل سجادیپور-سارق ۳۸ ساله سابقه داری که باز هم به اتهام سرقت محتویات و قطعات خودروها در مشهد دستگیر شده بود، پس از آن که به تماشای صحنه واقعی «فیلم دستبردش» نشست، دست از انکار برداشت و راز سرقت هایش را فاش کرد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، مرد ۵۶ ساله ای در تماس با نیروهای کلانتری شفا ی مشهد، از تعقیب جوان پر اید سواری خبر داد که دوم تیر به صندوق عقب خودرواش دستبرد زده بود. او به عوامل انتظامی گفت: وقتی خودروام دستبرد شد و علاوه بر جک و زاپاس، تعداد زیادی شیرآلات، دستگاه دیجیتال و لوازم برقی داخل آن به سرقت رفت. من بلافاصله دوربین های مدار بسته همسایگان و مغازه ها را بازبینی کردم و متوجه شدم که

سه عضو یک باند تبهکاری که جوانی را مقابل چشمان مادرش درون یک دستگاه خودرو به قتل رسانده و خاکسترهای جسد مرد طلا فروش را نیز در کنار جاده آسیایی به باد داده بودند در حالی مقابل میز عدالت قرار گرفتند و محاکمه آنان در مشهد آغاز شد که زوایای تکان دهنده جرایم سرقت و جنایت های آن ها یادآور شلیک های بی رحمانه در فیلم های گانگستری است.

در همین حال اعضای این باند تبهکاری مدعی شدند ،نقشه سرقت از طلافروشی را نیز از یک فیلم اینستاگرامی الگو برداری کرده اند!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، نوزدهم شهریور سال ۹۹ بود که ترافیکی در خیابان منوچهری مشهد آغاز شد چرا که چند جوان سمند سوار، مسیر حرکت خودروی ام وی ام را سد کردند و با جوان راننده ای که مادرش سرنشین آن بود به مشاجره پرداختند. در همین حال یکی از سرنشینان سمند سلاح کلت را بیرون کشید و دیگری لوله اسلحه کلاشینکف را به سوی سینه جوان ام وی ام سوار نشانه رفت. عصبانیت و خشم سمندسواران که به فیلم های گانگستری شباهت داشت، ناگهان صحنه مشاجر، لفظی را که به خاطر ادعای «سرع ت زیاد» شروع شده بود، با فریاد «من می گم بز!» به تصویری وحشتناک از جنایت مسلحانه تبدیل کرد و گلوله های داغ در حالی بر سینه جوان مذکور نشستند که مادرش وحشت زده پیکر خون آلود پسرش را در آغوش می فشرد.

در این شرایط سمندسواران که در برابر چشمان حیرت زده و نگران شهروندان، جنایتی تکان دهنده را رقم زده بودند، حتی یو که های گلوله ها را هم از کف آسفالت خیابان جمع کردند و از صحنه حادثه گریختند تا آثاری از جنایت به جانماند!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: با فرار ۳ جوان سمندسوار، رانندگان عبوری از شوک بیرون آمدند و با نیروهای امدادی تماس گرفتند. طولی نکشید که پیکر نیمه جان «م-الف» به مرکز درمانی انتقال یافت و پرونده ضاربان مسلح زیر نظر قاضی دکنر جوانبخت (بازپرس وقت شعبه ۲۰۳ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) مورد رسیدگی قرار گرفت.

در حالی که دستورهای ویژه قضایی برای شناسایی و دستگیری ضارب ان بی رحم صادر شده بود، تحقیقات پلیس نشان داد که شماره پلاک خودروی سمند جعلی است و تبهکاران از ادغام شماره های چند خودروی سمند سرقتی، پلاک دیگری در ست کرده اند! با به دست آمدن این مدارک، مشخص شد که پلیس با یک باند تبهکاری مخوف روبه رو شده است که به طور برنامه ریزی شده اقدام به ارتکاب جرم می کنند. هنوز بررسی های پلیس به نتایج خاصی نرسیده بود که دهم آبان سال ۱۳۹۹ جوان ام وی ام سوار به دلیل عوارض ناشی از شلیک های



سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com

ماجرای ازدواج با دانشمند قلابی!

بعد از آن که تحصیلات دانشگاهی را در رشته پرستاری به پایان رساندم، بالاخره موفق شدم در یکی از مراکز مهم درمانی مشهد استخدام شوم.

چند سال بعد و در حالی که وارد دسی و دومین بهار زندگی ام شده بودم، «نعیم» به خواستگاری ام آمد و ما طبق عرف از دواج های سنتی و از طریق معرفی بزرگترها با یکدیگر آشنا شدیم و ازدواج کردیم. این گونه بود که خیلی زود مراسم عروسی برگزار شد و من در حالی قدم به خانه بخت گذاشتم که دو ماه بعد باردار شدم. لذت و شیرینی مادر شدن را با همه وجودم احساس می کردم که ناگهان رازی نهفته از خیانت همسرم به طور اتفاقی فاش شد و روح و روانم را به هم ریخت. در روزهای پایانی بارداری بودم که فهمیدم شوهرم از حدود یک سال قبل با زن دیگری ارتباط پنهانی دارد. با لورفتن این ماجرا دیگر آن احساس و علاقه عاشقانه ام از بین رفت و آرام آرام حس تنفر در وجودم ریشه دواند تا حدی که سوءظن ها در رفتارهای نامتعارف شوهرم به آشفتگی خانوادگی انجامید و تصمیم به طلاق گرفتم.

هنوز چندماه بیشتر از تولد ماه بانو، نمی گذشت که همه حق و حقوق و مهریه ام را بخشیدم و با پذیرش سرپرستی دخترم از «نعیم» جدا شدم . بعد از آن که یک واحد آپارتمانی اجاره کردم و در کنار دخترم به یک زندگی جدید روی آوردم ام چند سال بعد احساس تنهایی و بی کسی به شدت مرا رنج می داد. این در حالی بود که «نعیم» گاهی مبالغی را طبق قانون برای مراقبت و نگهداری از دخترم به حساب بانکی ام واریز می کرد ولی باز هم نمی توانست مخارج او را بپردازد. حدود ۷ سال از زمان طلاق گذشته بود که روزی در یکی از گروه های تلگرامی با «نادر» آشنا شدم. پیامک ها و چت های ما آرام آرام به سوی ابراز علاقه های عاشقانه کشید و به دیدارها و قرار ملاقات های خیابانی انجامید. از سوی دیگر من که نیازهای عاطفی ام را در این سال ها سرکوب کرده بودم با دیدن «نادر» تصمیم گرفتم تا زندگی دوباره را در کنار او آغاز کنم و طعم خوشبختی را بچشم!

در مدت کوتاهی آشنایی، او خودش را یکی از دانشمندان رشته فیزیک هسته ای معرفی کرد و من هم عاشق او شده بودم. بدون هیچ مدرک و دلیل و سندی ادعاهایش را می پذیرفتم! خلاصه خیلی زود او عاقدی را از طریق یکی از سایت های واسطه گر تبلیغات شناسایی کرد و من توسط این فرد، در داخل خودرو به طور موقت به عقد «نادر» درآمدم اما هنوز یک ماه بیشتر از خواندن صیغه محرمیت نگذشته بود که دیدم شوهرم با زنان و دختران غریبه زیادی رابطه دارد و حتی آن ها را بی شرمانه و بدون حیا و خجالت به خانه می آورد. تازه فهمیدم که این دانشمند قلابی حتی دیپلم هم ندارد و تنها برای آن که من مخارج زندگی و تفریحاتش را بپردازم با من از دواج کرده است! او حتی کنترلی بر رفتارهای پر خاشگربانه خودش هم نداشت و چند بار دست روی من بلند کرد که در این شرایط به ناچار تصمیم به جدایی گرفتم و با حق طلاق که زمان عقد موقت به آن تاکید کرده بودم، توسط عاقد دیگری در درون خودرو، صیغه طلاق جاری شد و این گونه از این مرد حیلہ گرو چرب زبان جدا شدم اما او دست بردار نبود و مدام به محل کار می آمد و آبروبریزی به راه می انداخت. او حتی به در منزل آمده و گوشی تلفن دخترم را از او گرفته بود. این مرد برای آن که مرا تحت فشار بگذارد با اعضای خانواده ام تماس می گرفت و ادعا می کرد که من با او روابط پنهانی داشته ام.

خلاصه ایجاد مزاحمت ها و آبروبریزی های او به حدی رسید که دیگر نتوانستم تحمل کنم و به کلانتری آمدم؛ اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: عوامل انتظامی با بهره گیری از تجربیات پلیسی و دستورهای قانونی سرهنگ ایرانمنش (رئیس کلانتری شهرک فرجا) همسر سابق این زن جوان را به مرکز انتظامی احضار کردند و بدین ترتیب ماجرای ایجاد مزاحمت های وی توسط کارشناسان زنده دایره مددکاری اجتماعی مورد اکاوی دقیق قرار گرفت تا در نهایت به مراجع قضایی معرفی شود.

بر اساس ماجرای واقعی در زیرپوست شهر

رهایی گروگان ۶ساله از چنگال آدم ربایان پس از ۲۹روز

و نیروهای پلیس آگاهی آزاد شد و به سلامت به آغوش خانواده اش بازگشت. قاضی حامد محمدی ادامه داد: به دنبال اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره آدم ربایی توسط سرنشینان یک دستگاه خودروی پژوی نقره ای رنگ، بلافاصله عوامل پلیس آگاهی به همراه نیروهای انتظامی در محل حاضر شدند و اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی را آغاز کردند. وی افزود: بر اساس

بررسی های دوربین های مدار بسته و اظهارات شهود، مشخص شد که افراد رباینده در حالی که دو کودک در حال عبور از خیابان مقابل رستوران محل حادثه بودند، اقدام به ربودن آن ها کردند. وی گفت: یکی از این دو کودک که دختر بچه ای ۱۱ ساله بود، مدتی بعد توسط آدم ربایان آزاد شد، اما کودک شش ساله همچنان در اسارت آدم ربایان باقی ماند. وی اضافه کرد: در همان مراحل اولیه

توکلی-با دستور مقام قضایی، تلاش بازپرس پرونده و نیروهای پلیس آگاهی، کودک خردسال رودباری در جنوب کرمان به آغوش خانواده اش بازگشت. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان رودبار جنوب گفت: یک کودک ۶ساله که در شهرستان رودبار جنوب توسط آدم ربایان ربوده شده بود، پس از ۲۹ روز با دستور مقام قضایی، تلاش بازپرس پرونده